



۲۰۱۸/۰۱/۱۱

م. اسحاق نگارگر

وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است

ادبیات و موسیقی روح رالطافت و قلب رارافت می بخشد. من این یادداشت را سه سال قبل در ۱۱ جنوری ۲۰۱۵ نوشته بودم. اینک باز خدمت دوستان تقدیم می کنم. ۱۱ جنوری ۲۰۱۸ نگارگر برمنگهم

یکی از مباحث بسیار دلچسپ در عرفان اسلامی بحث وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است. برای روشن دیدن این موضوع کافیت یک هسته زردآلو را در نظر بگیرید. این هسته در ذات خود یکی است ولی همین هسته کوچک در خود هزاران زردآلو را نهان کرده است. یعنی اگر این هسته را بکارید و مجال رشد و نمو بدهید به درختی از زردآلو بدل می شود که بار آن هزاران زردآلوی دیگر است و آن هزاران زردآلو می تواند به هزاران درخت بدل شود و بنا بر این در دل هسته عالمی دیگر وجود دارد و هنگامی که کلام الله قتل یک انسان را قتل تمام انسانیت و زنده گردانیدن یک انسان را زنده گردانیدن تمام انسانیت می داند به همین کثرت در وحدت و وحدت در کثرت نظر دارد.

بیدل هم گفته است که :

یقینم شد که در هر ذره جانیت

نهان اندر کف خاکی جهانیت

و اما "ویلیام بلیک" شاعر انگلیسی که از ۱۷۵۷ میلادی تا ۱۸۲۷ میلادی می زیست شعری دارد که در آن جهان را در یک دانه ریگ و سراپا آسمان را در یک شاخه گل می بیند و بی نهایت را در کف دست می گیرد و ابد را نیز ساعتی می بیند. من بیست و یک سال پیش از امروز یعنی در بیست و دوم ماه جون ۱۹۹۴ آن را به شعر دری برگردانده بودم.

اینک ترجمه و اصل شعر را برای تان اینجا می گذارم. من تا با شعر و ادبیات سر و کار داشته ام این اعتقاد را در دل پرورده ام که فرهنگ و موسیقی انسانی خاصیت های بسیار به هم نزدیک را تبارز می دهد چنانکه گویی تمام دریاچه های فرهنگ های ملی و حتی محلی همه در بحر یک فرهنگ انسانی فرو می ریزد که در آنجا تعصب، تنگ

نظری و جزمیت را امراضی می داند که انسان بدان گرفتار می شود و این امراض را با موسیقی و ادبیات می توان نداوی کرد. کافیت از متعصب ترین مسلمان که حکم به قتل هر چه گبر و ترسا و حتی مسلمان به فکر خودش نا کامل می دهد بپرسید که چرا خدای بزرگ قتل یک انسان را قتل تمام انسانیت می داند و چرا تخریب یک گوشه طبیعت تخریب تمام طبیعت است او را از خواب غفلت بیدار می کند تا ببیند که اگر فرصت زندگی را از خطاب به جرم عقیده اش باز گیرند به عمر فاروق نیز مجال زندگی نداده اند ولی مشکل در این جاست که تعصب افراطی موسیقی و ادبیات را نیز بر خود تحریم می کند اما عارفی همانند "ابراهیم خواص" در کار است که ببیند خدی (سرودی که برای اشران بارکش می خوانند) اشران را چه گونه بر سر شوق می آرد. تعصب افراطی می داند که موسیقی و ادبیات مرض افراط گرایی های عقیدوی را علاج می کند. به همین دلیل کمونیست های افراطی بخش بزرگی از ادبیات و موسیقی را به نام هنر بورژوازی بر خود تحریم می کنند و مسلمانان افراطی نیز موسیقی را غذای روح شیاطین می پندارند و حال آنکه خود می دانند که موسیقی روح شان را به وجد می آرد و عواطف شان را لطافت می بخشد. نخست می روم به سراغ ترجمه شعر بسیار کوتاه "ویلیام بلیک" شاعر انگلیسی:

جهان در دانه ای ریگی ببین تو،
سراپا آسمان در شاخه گل
بگیر اندر کف خود بی نهایت
آبد خود ساعتی آخر تأمل

To see a world in a grain of sand,
And a heaven in a wild flower,
Hold infinity in the palm of your hand,
An Eternity in an hour.

William Blake

۱۷۵۷ – ۱۸۲۷